

مشکلات پناهندگان در جوامع پذیرنده

نویسنده: حمید نظری

قسمت هفتم

غیرقانونی شناخته می‌شوند برای دوره‌ای طولانی بازداشت می‌گردند. دوم آنچه مربوط به سیاست دولت‌هاست که بازداشت موقت را به عنوان یک روش کلی و آشکار برای بازداشتن پناهندگان احتمالی آینده از هجوم به کشورشان تلقی می‌نمایند. (Dissuasion)^(۲)

با توجه به آنچه که در بالا به آن اشاره شد، این سوال پیش می‌آید که چه مصونیت‌ها و مزایایی تحت کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو برای پناهندگان در نظر گرفته شده است. بند اول ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو چنین مقرر می‌دارد: «دول متعاقد حضور یا ورود غیرقانونی پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که زندگی یا آزادی آنها طبق ماده یک در خطر بوده، به خاک آنها وارد شده‌اند و حضور یا ورود آنان بدون اجازه صورت گرفته است، مشمول مجازات نخواهند ساخت به شرط آنکه این پناهندگان بدون تاخیر خود را به مقامات مربوطه معرفی کنند و بدین ترتیب برای این ورود یا حضور غیرقانونی، حسن نیت خود را نشان دهند»^(۳)

این ماده در حالی که اعمال مجازات علیه «حضور و ورود غیرقانونی» رانفی کرده است، در مورد بازداشت‌های اداری که امروزه جهت روشن شدن وضعیت پناهندگان صورت می‌پذیرد ساکت است. غالب این بازداشت‌ها از چند ساعت تا چندین ماه و به صورت مختلف منجمله نگهداری در اردوگاه‌های خاص انجام می‌گیرد. در اینجا عامل مهم «ورود مستقیم» پناهنده به کشور پذیرنده است، ولی این مفهوم چه تعابیری را می‌پذیرد و معنای آن با توجه به طرق و وسایل حمل و نقل مدرن امروزی چیست؟

از این نگرانی‌های عمده که بگذریم و به واقعیت‌های عملی رویاواریم، باید پذیرفت که همه اقدامات مربوط به محدودیت رفت و آمد و غیره را نمی‌توان به عنوان بازداشت تعبیر کرد. علاوه بر این، مسئله بازداشت در مورد پناهندگان دسته جمعی با آنچه که در موارد انفرادی مشاهده می‌شود، فرق دارد.

دولت‌ها در روبرو شدن با امواج پناهندگان ناچار از اعمال ملاحظات مربوط به امنیت ملی و نظم عمومی بوده و مسائل بهداشتی، رفاهی و حمایت از پناهندگان در مقابل عکس‌العمل‌های احتمالی جمعیت محلی، کنترل جابجایی پناهندگان را ضروری می‌سازد. بهترین مثال در این زمینه ایجاد قرنطینه‌های بهداشتی از طرف دولت‌ها جهت حصول اطمینان از نبودن بیماری‌های مسری در میان آوارگان و جلوگیری از سرایت آن به جمعیت محلی می‌باشد. در حالی که در موارد انفرادی چون معیارها - برای مثال معیارهای امنیتی - فرق می‌کند، می‌توان امیدوار بود که رفتار دول انعطاف بیشتری داشته باشد. بهمین دلیل است که بازداشت اتوماتیک و نامحدود پناهندگان غالباً موجب حساسیت ویژه از طرف ارگانهای بین‌المللی ذیربط می‌گردد.

در بین حامیان حقوق بشر دوستانه عقیده بر آن است که نگرانی کشورها برای امنیت داخلی آنها باید از طریق تعهد متقابل پناهندگان بر حسب معیارهای ایجاد شده توسط حقوق بین‌المللی انسان دوستانه جبران گردد.

به هر ترتیب امروزه نظر غالب آن است که بازداشت پناهندگان باید جنبه استثنائی داشته و تنها در صورت لزوم و در شرایطی که توسط قانون برای مقاصد معینی نظیر تشخیص هویت و یا بررسی عوامل پناهندگی تجویز شده باشد، انجام پذیرد.

کمیته اجرایی کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) علی‌الاصول توصیه می‌کند که از بازداشت اجتناب شود، گرچه بازداشت برای مصاحبه ابتدائی را به شرط آنکه به توقیف در طول مدت اثبات پناهندگی تبدیل نشود، نفی ننموده، بلکه آن را روشی برای مقابله با کسانی تلقی کرده است که مدارک تقلبی برای اثبات پناهندگی ارائه می‌نمایند و یا مدارک اصلی خود را برای گول زدن مقامات کشورهای پذیرنده از بین می‌برند و یا مخل نظم و امنیت ملی می‌باشند.^(۳)

کمیته اجرایی همچنین می‌خواهد که پناهندگان بازداشت شده حق این را داشته باشند که با نماینده کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان تماس بگیرند و در آنجا که نماینده‌ای حضور ندارد، آژانس‌های کمک به پناهندگان که غالباً غیر دولتی هستند در دسترس می‌باشند. بازداشت باید مشروط به بررسی قضائی و اداری وضعیت پناهندگی شخص بوده و شرایط آن انسانی باشد.^(۵) به

همانطور که در ابتدای این سلسله از مقالات متذکر شدیم، پناهندگی یک پدیده متعارض است. این تعارضات جدا از اینکه مربوط به ماهیت مسئله باشد و یا در جریان عمل پیش‌باید، موجد مشکلاتی است که حل آنها نه تنها احتیاج به اقدامات هماهنگ بین‌المللی دارد، بلکه اساساً به مباحث نظری منجمله جنبه‌های مختلف حقوق بین‌المللی و حقوق بشردوستانه و توانائی جامعه بین‌المللی در عینیت بخشیدن به این اصول مربوط می‌گردد. بدین ترتیب میتوان چنین پنداشت که با مشکل عدم تفاهم بین‌المللی در مسائل مربوط به پناهندگی و تعارض منافع ملی کشورها با یکدیگر، فرار یک پناهنده از کشور اصلی خود تنها ابتدای یک راه است که پایان آن تا حد زیادی ناشناخته می‌باشد. گسترش و تعمیم ضوابط بین‌المللی حمایت از آوارگان و پناهندگان گرچه همواره یک اصل معتبر بین‌المللی قلمداد می‌گردد، معهذاً بسیاری دولت‌ها در متعدد ساختن خود به این ضوابط همواره تردید داشته‌اند و بهترین شاهد آن تعداد اعضای کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به تعیین وضعیت پناهنده و پروتکل ۱۹۶۷ می‌باشد که چیزی بیش از نیمی از کل کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند. این برآورد هنگامی بیشتر به حقیقت نزدیک می‌شود که در ایام کنوانسیون یاد شده و پروتکل آن نه تنها بسیاری از موضوعات حساس پناهندگی را مطرح نکرده است، بلکه در بسیاری از موارد ابهام‌های عمدی یا غیرعمدی وجود دارد که تعابیر مختلفی را می‌پذیرد. با این وجود نمی‌توان انکار کرد که کنوانسیون ۱۹۵۱ یک توافق بین‌المللی است که می‌تواند نقطه شروع خوبی برای گسترش حقوق انسان دوستانه در میان ملل باشد و از این جهت بی‌تردید مایه دلگرمی بشردوستان بوده است. از طرفی منافع ملی کشورها و ابهام در تعیین حدود این منافع در روابط بین‌المللی و مسائلی نظیر امنیت ملی و یا نظم عمومی که در کنوانسیون به آن اشاره شده است، می‌تواند هر متن حقوقی دیگری را اعم از اینکه مربوط به پناهندگان باشد یا خیر در محاق ابهام بگذارد.

بازداشت پناهندگان

بازداشت از جمله اولین مشکلات پناهندگان در هنگام ورود به کشور پذیرنده می‌باشد و بسیاری از کشورها آن را یک اقدام ضروری برای رویارویی با مشکلات مهاجرت به طور کلی و مقابله با بعضی از انواع خاص پناهندگی می‌دانند. در بسیاری از موارد پناهندگی دسته‌جمعی که در سال‌های اخیر صورت پذیرفته است، پذیرش شمارندگی از این مهاجرین توسط یک کشور، باعث هجوم پناهندگان دیگری از آن ملیت به کشور پذیرنده شده است. بهترین مثال در این زمینه پناهندگان تاملیل اهل سریلانکا هستند که به صورت گسترده‌ای به اروپای غربی روی آورده‌اند.

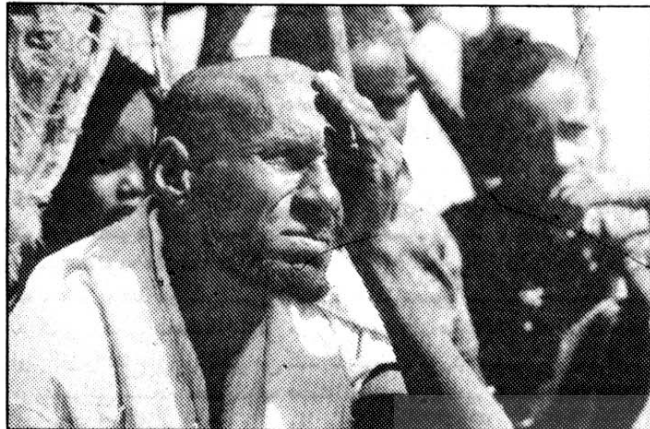
بسیاری از دولت‌ها بر اقداماتی نظیر بازداشت پناهندگان نام‌هائی از قبیل «منصرف ساختن انسانی»^(۱) نهاده‌اند و معتقدند که بدین وسیله سایر هموطنان آوارگان درمی‌یابند که شانس کمتری برای پذیرفته شدن در آن کشور دارند. باید اذعان کرد که تفسیر پذیری اصول و سایر پیچ و خم‌های قانونی مترتب بر آن به ضرر پناهندگان بوده است. مثلاً در مورد اینکه معنای دقیق کلمه بازداشت چیست و در چه صورتی می‌توان به اعمال آن پرداخت و اینکه پناهندگان و آوارگان در چه محل‌هائی باید نگهداری شوند، هنوز اتفاق آراء وجود ندارد.

بدون شك کسانی که به خاطر تعقیب و آزار در بی‌امنی می‌باشند، در مرحله‌ای از این روند طولانی به جانی می‌رسند که آزادی آنها به هر عنوان اعم از نگهداشتن اجباری در یک مکان، محدودیت در رفت و آمد و حبس برای مدت زمان نامعین در شرایطی مشابه شرایط زندان، مورد سوال قرار می‌گیرد.

در مورد بازداشت پناهندگان دو نکته اساسی قابل ذکر است. اول اینکه این بازداشت‌ها غالباً در کشورهای اروپائی و در مقابل موج پناهندگی از کشورهای آسیائی و آفریقائی صورت می‌گیرد، و دوم اینکه انگیزه‌های مربوط به بازداشت پناهندگان و آوارگان گرچه بسیار پیچیده است، ولی شاید بتوان عمدتاً آنها را در دو دسته جای داد:

اول - آنچه که در عمل وجود دارد و آوارگان صرفاً بخاطر اینکه مهاجرین

- هرچند که این مفاهیم با یکدیگر مترادف نیستند - ذکر این نکته لازم است که ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو حمایت از پناهنده را در مقابل اخراج پیش بینی کرده است و تصمیم شماره ۷(XXVIII) کمیته اجرایی کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان نیز آن را جز در موارد بسیار استثنائی یعنی امنیت ملی و نظم عمومی کشور پذیرنده، توصیه نمی کند.^(۶) براساس بند دوم ماده ۳۲ اخراج پناهندگان تنها براساس تصمیم قانونی و مراحل پیش بینی شده در آن امکان پذیر است.^(۷) به هر حال چنانچه لازم است فرد پناهنده به جهات امنیتی قبل از اخراج زندانی یا بازداشت گردد، این امر نباید طولانی باشد. شك نیست که اصل NON-REFOULEMENT که در ماده ۳۳ کنوانسیون به آن اشاره رفته، محور اصلی حمایت بین المللی از پناهنده است که در باره آن به تفصیل صحبت خواهد شد. تصمیم شماره ۶(XXVIII) کمیته اجرایی



کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان براهیت اساسی اصل «پس نفرستان» - هم در مرز و هم در خاک يك کشور - تاکید نموده و به خصوص اشاره می کند که این اصل قابل اجرا است اعم از اینکه فرد پناهنده باشد یا خیر.^(۸) زیرا فرد اگر چه دلایل کافی نیز برای پناهندگی نداشته باشد، صرف درخواست پناهندگی از يك کشور، وی را در موضعی قرار می دهد که به احتمال زیاد قادر به بازگشت به مملکت خود نخواهد بود. و در حقیقت دلایل پناهندگی وی پس از تسلیم درخواست پناهندگی به مقامات کشور پذیرنده به تحقق می پیوندد.

از مشکلات دیگری که کشورهای آمریکائی و اروپائی بر سر راه پذیرش پناهندگان ایجاد کرده اند، عدم صدور ویزا برای ورود به کشورشان می باشد. مساله عمده آن است که این طرز برخورد، آشکارا جنبه عمدی و انتخابی دارد و معمولاً ملیت های خاصی در نظر گرفته می شوند. در تکمیل این سیاست در کشورهای اروپائی حتی شرکتهای هواپیمائی را که پناهندگان را بدون داشتن ویزا به خاک آنها منتقل کرده اند به پرداخت جریمه های نقدی مجبور و بدین ترتیب عملاً سدی در برابر ورود پناهندگان ایجاد می نمایند.

امروزه برای رفع مشکلات مربوط به پذیرش پناهندگان به هبستگی بین المللی اهمیت بسیار داده می شود، و این امر در میان آندسته از کشورهای در حال توسعه که به درجه خاصی از تشکل سیاسی دست یافته اند، مشخص است. شاهد این مدعا کنوانسیون سازمان وحدت افریقا (OAU) در مورد پناهندگی است که از یکطرف در تعریف پناهنده و عناصر مربوط به تعیین وضعیت پناهندگی ابعاد گسترده تری را که نشان دهنده وضعیت سیاسی خاص قاره افریقا می باشد گنجانیده است و از طرف دیگر، اصول اجباری (MANDATORY) را برای رفتار با پناهندگان طرح می کند که دولت های عضو مکلف به اجرای آن می باشند. این کنوانسیون علاوه بر آنکه اصل NON-REFOULEMENT را با استحکام خاصی در پاراگراف ۳ از ماده ۲ مطرح می کند، دول عضو را مکلف می سازد چنانچه دولتی قادر نباشد به دلیل مشکلات داخلی به فرد یا گروهی پناهندگی اعطا کند، به آن کشور کمک کنند و دولت پذیرنده می تواند از سایر دولت های عضو بخواهد که از باروی بکاهند.^(۹)

حمله نظامی و مسلحانه به اردوگاههای پناهندگان

حمله به اردوگاههای پناهندگان و آوارگان از جمله تراژدی هائی است که با آنکه توجه جهان را به نحو وسیعی به خود معطوف ساخته لکن نتوانسته است پاسخ مناسبی دریافت کند. آوارگانی که در کشورهای همسایه به صورت گروهی پناهندگی گزیده اند، همواره در معرض این خطر هستند که توسط نیروهای نظامی کشور خودشان و یا مزدوران مسلح آنها مورد حمله قرار گیرند.

ویژه آنکه آوارگان و پناهندگان نباید با جانیان و مجرمین عادی در يك محل نگهداری شوند و همواره تفاوت اساسی بین آوارگان و آنانکه به صورت غیر قانونی وارد يك کشور شده اند، ملحوظ گردد.

بطور کلی اصول انسان دوستانه حمایت از پناهندگان را در مورد بازداشت آنان می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- پناهندگان نباید به صورت اتوماتیک زندانی شوند.
- ضروری بودن بازداشت آنان باید مبتنی بر دلایل معتبر بوده و برای دوره های طولانی صورت نگیرد.
- بازداشت تحت عنوان مجازات ورود غیر مجاز نباشد و بالاخره،
- از بازداشت نباید به عنوان وسیله ای برای منصرف کردن سایر آوارگان و نیز جلوگیری از هجوم دیگر پناهندگان استفاده شود.

● کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷ نه تنها بسیاری از مسائل حساس پناهندگی را مطرح نکرده است بلکه موارد مبهمی در آن وجود دارد که تعبیر گوناگونی را می پذیرد.

● پناهندگان در جوامع پذیرنده به پائین نردبان اجتماعی رانده می شوند و عدم اعتماد مردم محلی به آنها باعث می گردد که عملاً به صورت شهروندان دست دوم درآیند.

مشکلات مربوط به پذیرش پناهندگان

مشکلات مربوط به پذیرش، در حقیقت بیشتر در موارد پناهندگی انفرادی بروز می کند زیرا در هجوم دسته جمعی آوارگان، کشور پذیرنده در مقابل يك عمل انجام شده قرار می گیرد و عملاً چاره ای جز پذیرش آوارگان ندارد. گرچه نيات انسان دوستانه این دسته از کشورها در نحوه رفتار آنان با پناهندگان تأثیر به سزائی دارد، لکن تبلیغات و انعکاس بین المللی مساله در این قبیل موارد عامل مثبتی برای گردآوری کمک های بین المللی محسوب می شود. بدین جهت، پذیرش آوارگان ممکن است صرفاً به مناسبت بهره برداری های سیاسی، تا حد زیادی رنگ افراطی نیز به خود بگیرد.

با این حال مشکلات مربوط به پذیرش پناهندگان وجود دارد. این مشکلات همراه با بازداشت آوارگان، ابتدائی ترین مساله آن دسته از کسانی است که احتمالاً با درهای بسته کشورهای پذیرنده روبرو می شوند.

کشورهای آمریکائی و اروپائی پذیرنده پناهنده تصور می کنند که تنها در صد کمی از آوارگان (مثلاً حدود بیست درصد) دارای دلایل و انگیزه های عینی و قابل قبول برای پناهندگی می باشند و بقیه صرفاً در جستجوی زندگی بهتر اقتصادی این خطر را پذیرا شده اند. به همین جهت ظرف سالهای اخیر سیاست بسیاری از کشورهای اروپائی در جهت افزایش تضمینات برای پذیرش پناهندگان بوده است، بطوری که در سال ۱۹۸۷ تنها بین ۴ تا ۸ درصد از کسانی که درخواست پناهندگی کرده اند پذیرفته شده اند و بقیه این اجازه را یافته اند که تا پیدا شدن کشور ثالثی که آنها را بپذیرد از تسهیلات و اقامت موقت استفاده کنند.

واقعیت این است که کشورهای توسعه یافته به دلایل گوناگون ترجیح می دهند که جمعیت آواره جهان که از کشورهای در حال توسعه یا عقب مانده سرچشمه می گیرد، در نخستین کشورهای پذیرنده که عمدتاً کشورهای همسایه هستند اسکان داده شوند و با این ترتیب از بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی در جوامع خود جلوگیری می نمایند. آنها مایلند که تنها با پرداخت کمک به آژانس های بین المللی مسئول رسیدگی به امور پناهندگان، حس انسان دوستی خود را ارضاء کنند. این کشورها سعی می کنند آن دسته از پناهندگان را که دارای تحصیلات و تخصص کافی بوده و می توانند در جوامع صنعتی جذب بازار کار شوند بپذیرند. تعدد موانع و مراحل اداری و قانونی پذیرش پناهندگان، حکایت از این سیاست دارد. همچنین پناهندگانی که يك یا چند تن از افراد خانواده شان قبلاً در این کشورها سکنی گزیده باشند شانس بیشتری برای پذیرفته شدن خواهند داشت.

از آنجا که عدم پذیرش پناهنده، اخراج یا پس فرستادن وی را تداعی می کند

دشواریهای فوق معمولاً منجر به آن می شود که پناهندگان در جوامع پذیرنده به صورت کلنی هائی درآیند که سعی می کنند تا حد امکان خود کفا شده و به حمایت از یکدیگر بپردازند. این تشکل همواره نکته نگران کننده ای برای دولت های پذیرنده و مردم محلی بوده است.

در مورد سیاست دولت های پذیرنده بخصوص دول اروپائی، باید گفت که بعضی از کشورها سعی کرده اند تنها محل ترانزیت پناهندگان باشند. در اطریش ظرف سی سال گذشته اغلب پناهندگان به صورت ترانزیت به سایر کشورهای اروپائی، امریکا، کانادا، و استرالیا رفته اند. در سال ۱۹۸۶ از تعداد ۵۷۰۰ نفر پناهنده به اطریش، تنها ۳۶ درصد آنان پذیرفته شده اند که در مقایسه با رقم ۶۰ درصد در بیست سال پیش از آن کاهش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد. هرچند باید گفت که معمولا وسعت، جمعیت، و بالاخره توانائی اقتصادی کشورها و سطح تولید ناخالص ملی آنها در اتخاذ سیاست های پذیرش پناهنده موثر می باشد، با این وجود در کشورهایی که سیستم چند حزبی وجود دارد معمولا سیاست های مربوط به پذیرش پناهنده ها در گرو کشاکش های حزبی و گروهی است و در طی سالیان، زندگی پناهندگان و سیاست های حمایتی مربوط به آنها با سرنوشت احزاب گره خورده است.

مشکلات ناشی از محدودیت تعاریف کنوانسیون

۱۹۵۱

امروزه کنوانسیون ۱۹۵۱ تنها می تواند بخشی از مسائل مربوط به پناهندگان را در نقاط مختلف جهان حل کند. تعریف محدود پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ از بنیانی ترین مشکلات مربوط به پناهندگان در جهان حاضر می باشد و از این لحاظ سازمان وحدت آفرینا تعریف جامعتری دارد. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو هیچ ماده ای راجع به تعیین وضعیت پناهندگی و پذیرش پناهندگان ندارد و تاکید آن بر پناهندگی موقت کافی نیست. علاوه بر آن سهم کشورهای دیگر در کم کردن مشکلات پناهندگان و کشورهای پذیرنده تضمین نشده است. همبستگی بین المللی در این زمینه تنها نامی است که احتیاج به تعبیر و تفسیر گسترده دارد.

از همه مهمتر، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو اساساً برای اسکان دائمی پناهندگان در کشور پذیرنده تهیه شده است که این خود یکی از نگرانی های عمده کشورهاست، و بعلاوه مفاد اجتماعی آن ابتدائاً در یک زمینه اروپائی تنظیم گردیده است که بهیچ وجه مناسب حال پناهندگان کشورهای در حال توسعه نمی باشد.^(۱۲)

گذشته از این، کیفیت روابط دولتها در قرن حاضر نشان داده است که مفهوم پناهندگی یا آوارگی بدانگونه که تنها به حمایت پناهنده بسنده کند، ذاتاً ناکافی می باشد مگر اینکه این مفهوم جنبه های به هم وابسته و متقابل را به یکدیگر مربوط ساخته و بنیان های جدیدی را در این زمینه بوجود آورد.

زیر نویس ها

- 1' Refugiés Magazine, Numéro 9. Septembre 1984. UNHCR Genève. P.3
- 2- IBID P.4
- 3- Collection of International Instruments Concerning Refugees 1988 UNHCR, Geneva, P.22
- 4- Conclusions On the International Protection of Refugees Adopted by the Executive Committee of the UNHCR Programme, 1980, UNHCR. Geneva. P. 96
- 5- IBID, P. 27
- 6- Conclusions, P. 15
- 7- Collection, P. 22
- 8- Conclusions. P. 14
- 9- Lectures by Sadruddin Aghakan United Nations High Commissioner for Refugees on Legal Problems Relating to Refugees and Disabled Personnes Given at the Hague Academy of International Law, 4 - 6 August 1976. PP 27-29.
- 10- Conclusions, P. 98.
- 11- IBID, P. 71
- 12- Coles, G.J.L. The Basis and Function of Refugee Law, Geneva, P. 17

غالباً بهانه کشورهای اصلی پناهندگان آن است که این اردوگاهها صرفاً محل اسکان آوارگان نبوده و در آنها فعالیت های خرابکارانه علیه دولت متبوع پناهندگان صورت می گیرد. این حملات معمولاً علیه آوارگان کشورهای بعمل می آید که گرفتار جنگ های داخلی بوده و یا نیروهای آزادیبخش با استعمارگران می جنگند. ساکنین این اردوگاهها را که غالباً در نزدیکی مرزها واقع است زنان و کودکان تشکیل می دهند و بدین جهت حملات نظامی به اردوگاهها همواره تلفات سنگین انسانی داشته است.

نمونه بارز این مشکل، حملات رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی به کمپ های آوارگان نامیبیائی یا آفریقای جنوبی در آنگولا و سایر کشورهای خط مقدم جبهه است. رژیم صهیونیستی نیز تاکنون بارها به حملات گسترده نظامی علیه اردوگاههای آوارگان فلسطینی دست زده و شمار زیادی از آنان را قربانی کرده است. در کشور خودمان حملات رژیم عراق به کمپ آوارگان کرد در زیوه و در پاکستان حملات رژیم کابل به نقاط مرزی پاکستان که در آن اردوگاههای آوارگان افغانی قرار دارد، تلفات فراوانی به بار آورده و اکثر قربانیان را کودکان تشکیل می داده اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۴ در اجلاس سی و نهم طی قطعنامه شماره ۳۹/۱۴۰ این مشکل را مورد توجه قرار داده و در بند سوم این قطعنامه با اشاره به قربانیان زیاد و خسارات مالی فراوان این حملات می خواهد که دول عضو در این زمینه به توافق های اصولی دست یابند.^(۱۱)

متأسفانه به علت تعارض دیدگاههای دول ذینفع در این قضیه و این حقیقت که پذیرش پناهندگان یک کشور توسط دیگران معمولاً یک عمل خصمانه نسبت به کشور اصلی پناهندگان تلقی می گردد و دولت ها غالباً حمله به کمپ های آوارگان را دفاع از خود تلقی می کنند، تاکنون در مورد تهیه پیش نویس اصول مورد توافق نتیجه مطلوب به دست نیامده و تصمیم شماره ۳۲(XXXIV) کمیته اجرایی کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان به این نکته اذعان دارد.^(۱۱) در حال حاضر تنها راهی که برای کاهش تلفات این حملات و یا کاستن از احتمال وقوع آن وجود دارد قرارداد اردوگاههای آوارگان جمعی یک کشور در فاصله ای زیاد از مرز آن کشور می باشد. بنحوی که در برد سلاحهای سنگین نبوده و امکان حملات هوائی را کمتر کند. گرچه این راه نیز از نظر مصالح کشور پذیرنده چندان قابل توجه نمی باشد.

مشکلات مربوط به جذب در جوامع پذیرنده

مشکلات مربوط به جذب پناهندگان در جوامع پذیرنده را عمدتاً می توان منبعث از سه منبع دانست:

- عادات اجتماعی و روانی پناهندگان
- عکس العمل مردم محلی نسبت به پذیرش پناهندگان
- و بالاخره سیاست دولت های پذیرنده

معمولاً پناهندگان در جوامع دیگر، بخصوص جوامعی که در حد بالاتری از توسعه اقتصادی و اجتماعی باشند، از لحاظ روانی احساس ناامنی می کنند. آنها از یکطرف به فرهنگ خود وابسته اند و از طرف دیگر به علت ترس یا نفرتی که از گذشته دارند، در پذیرش فرهنگ جدید حریص می باشند. مشکل برقراری ارتباط با محیط و مردم اطراف دست کم تا مدت زیادی به این ناامنی دامن می زند. پناهندگان در جوامع پذیرنده معمولاً به پانین نردبان اجتماعی رانده می شوند مگر اینکه دارای توانائی های ویژه ای باشند.

عدم اطمینان مردم محلی به پناهندگان همواره باعث می شود که آنها به صورت تبعه دست دوم درآیند. پناهندگان در محل کار معمولاً مزدی کمتر از سایرین دریافت می کنند و این مشکل هنگامی که پناهنده از یک کشور ناشناس آمده باشد بیشتر مشاهده می شود. حتی در کشورهای در حال توسعه نیز این دوری گزیدن از پناهندگان به چشم می خورد زیرا پناهندگان را معمولاً ناقل انواع بیماری های مسری می دانند که می تواند محیط را آلوده سازد. به همین دلیل مردم ترجیح می دهند که بیکاران خودی را به کار بگمارند تا پناهندگان را، هرچند که پناهندگان دستمزد کمتری طلب کنند.

دولت های پذیرنده گرچه بعضاً با همکاری کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان برنامه هائی را جهت تسهیل جذب پناهندگان در جوامع پذیرنده به اجرا می گذارند که از انجمله می توان آموزش زبان و مشاغل درآمدزا و فنون و حرف مختلف را نام برد، معهذ این امر تنها در جوامع در حال توسعه به نتیجه مطلوب رسیده و قانع کردن اتحادیه های کارگری و صاحبان کارگاهها و صنایع کشورهای اروپائی به استفاده از نیروی کارگران پناهنده با مشکل روبرو بوده است.